

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه ۱

درس تمهیدی فی الفقه الاستدلالی

سطح ۲

درس ۲۱

استاد: حجت الاسلام و المسلمین امینی

آموزشیار: سید هادی ساجدی

## مقدمه

در درس گذشته بحث حیض به عنوان دومین سبب وجوب غسل بیان شد . و دلیل برخی از مباحث حیض گفته شد. تمام درس حاضر به بررسی ادله‌ی ویژگی‌ها و احکام خون حیض اختصاص دارد . دلیل قید غالب، زمان اقل و اکثر حیض، استمرار عرفی در سه روز اول، بعد از بلوغ و قبل از یائسگی بودن حیض، عدم صحت چهار عمل عبادی از حائض و همچنین دلیل محرمات مشترک جنب و حائض، مسائلی است که در این درس بررسی می‌شود.

## متن عربى

٣- و التقييد للغالب للاحتراز عن الدم الذى يحكم عليه بالحيفية بدون وجود الصفات فيه، كالصفرة أيام العادة أو قبلها بيوم أو يومين.

٤- و اما تحديده قلّة و كثرة بما ذكر، فلصحيحة معاوية بن عمار عن أبى عبد الله عليه السّلام: «أقلّ ما يكون الحيض ثلاثة أيّام و أكثره ما يكون عشرة أيّام». و غيرها.

٥- و اما اعتبار الاستمرار فى الثلاثة، فلاقتضاء الحكم بكون أقلّه ثلاثة لذلك، فان ظاهره ان الدم الواحد لا يقلّ عن ذلك، و مع تقطّعه لا يكون واحدا، فان الوحدة مساوقة للاتصال عرفاً أيضاً.

٦- و اما ان المدار على الاستمرار العرفى - الذى يتحقق مع الانقطاع اليسير أيضا- دون الدقى، فلأن ذلك مقتضى حمل الألفاظ على مفاهيمها العرفية.

٧- و اما اعتبار كونه بعد البلوغ، فلصحيحة عبد الرحمن بن الحجاج: «سمعت أبا عبد الله عليه السّلام يقول: ثلاث يتزوجن على كل حال... إلى ان قال: و التى لم تحض و مثلها لا تحيض.

قلت: و متى يكون ذلك؟ قال: ما لم تبلغ تسع سنين...».

و اما اعتبار كونه قبل اليأس، فلعدة روايات بلسان: «حدّ التى يئست من المحيض خمسون سنة».

٨- و اما عدم صحّة اربعة منها، فمن الواضحات للتسالم عليه. و تدلّ على ذلك صحيحة زرارة عن أبى جعفر عليه السّلام: «إذا كانت المرأة طامثا فلا تحلّ لها الصلاة...».

و موثقة سماعة: «سألت أبا عبد الله عليه السّلام عن المستحاضة قال: تصوم شهر رمضان إلّا الأيام التى كانت تحيض فيها ثم تقضيها بعد» و موثقة عبد الرحمن بن أبى عبد الله: «سألت أبا عبد الله عليه السّلام عن المستحاضة أ يطؤها زوجها و هل تطوف بالبيت؟ قال: تقعد قرأها الذى كانت تحيض فيه... الى ان قال: و كل شىء استحلّت به الصلاة فليأتها زوجها و لتطف بالبيت»

فانها ظاهرة فى انه متى ما حلّت لها الصلاة جاز لزوجها إتيانها و طوافها بالبيت.

و اما الاعتكاف، فيكفى لاثبتت عدم صحته اشتراطه بالصوم.

٩- و اما اعتبار الانقطاع و الاغتسال، فلأنها قبل الانقطاع حائض و قبل الاغتسال محدثة فلا تصح تلك منها لاشتراطها بالطهارة.

١٠- و اما قضاءها الصوم دون الصلاة، فمن الامور المسلّمة. و تقتضيه صحيحة زرارة: «سألت أبا جعفر عليه السّلام عن قضاء الحائض الصلاة ثم تقضى الصيام، قال: ليس عليها ان تقضى الصلاة و عليها ان تقضى صوم شهر رمضان» و غيرها.

١١- و اما انه يحرم عليها ما يحرم على الجنب، فلان معظم الروايات الواردة فى بيان محرّمات الجنابة ذكر عنوان الحائض أيضا أو ذكرها بما انها أحكام لمطلق المحدث كحرمة المسّ.

## ادامه ادله احکام حیض

### دلیل تقیید به غالب

همان‌گونه که در تعریف حیض از قید غالب استفاده کردیم، صفات خون حیض نیز باید به غالبی بودن مقید شوند. دلیل مقید ساختن صفات به غالب این است که در برخی موارد با آنکه برخی صفات ذکر شده در خون وجود ندارد، اما حکم خون حیض بر آن جاری می‌شود. مثل زنی که دارای عادت است و هر ماه در روزهای معینی خون می‌بیند؛ اگر این زن خونی را که در ایام عادتش و یا یکی دو روز قبل از آن می‌بیند، زرد باشد با آنکه سرخ یا سیاه نیست حکم خون حیض را دارد.

### دلیل بین سه تا ده روز بودن

همانطور که گذشت خون حیض کمترین زمانش سه روز و بیشترین آن ده روز است. دلیل این حکم روایات است. از جمله روایتی<sup>۱</sup> از امام صادق (ع) است که به صراحت کمترین زمان حیض را سه و بیشترین زمان آن را ده روز دانسته است.

### دلیل لزوم استمرار

در مساله قبل گذشت که کمترین زمان خون حیض سه روز است. ظاهر این سخن آن است که خون واحد کمتر از سه روز نیست. در واقع آن عبارت ظهور در وحدت خون دارد و این وحدت زمانی حاصل می‌شود که خون با استمرار و بدون قطع شدن خارج شود. پس وحدت با استمرار عرفی همراه است.

### دلیل عرفی بودن استمرار

معیار استمرار در اینجا عرفی است نه دقت عقلی؛ لذا اگر خون برای دقائقی قطع شود و دوباره جریان یابد، استمرار از بین نمی‌رود. دلیل اصلی عرفی بودن استمرار این است که الفاظ در هنگام استفاده، بر معانی عرفی خود حمل می‌شوند.

### تطبیق

۳- و التقیید بلغالب للاحتراز عن الدم الذی یحکم علیه بالحیضیة بدون وجود الصفات فیہ، کالصفرة آیام العادة أو قبلها بیوم أو یومین.

و قید زدن به غالب به دلیل پرهیز از خونی است که بدون داشتن صفات حیض، بر آن حکم حیض بودن می‌شود، مانند زرد بودن خون در ایام عادت یا یک یا دو روز قبل از ایام عادت.

۴- و اما تح دیدہ قلّة و کثرة بما ذکر ، فلصحیحة معاویة بن عمار عن أبی عبد الله علیه السلام : «أقلّ ما یكون الحیض ثلاثة آیام و أكثره ما یكون عشرة آیام». و غیرها.

۱. وسائل الشیعة الباب ۱۰ من أبواب الحیض الحدیث ۱.

((کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز آموزش‌های غیر حضوری حوزه‌های علمیه خاوران می‌باشد))

و اما محدود کردن خون از حیث قلت به سه روز و از حیث کثرت به ده روز به دلیل صحیحه معاویه بن عمار از امام صادق(ع) است که فرمود: « کمترین زمان حیض بودن سه روز و بیشترین آن ده روز است ». و غیر این صحیحه.

۵- و اما اعتبار الاستمرار فی الثلاثة ، فلاقتضاء الحكم بكون أقله ثلاثة لذلك، فان ظاهره ان الدم الواحد لا يقل عن ذلك، و مع تقطعه لا يكون واحدا، فان الوحدة مساوقة للاتصال عرفاً أيضاً.

و اما معتبر بودن پیوستگی در سه روز، چون حکم به اینکه کمترین زمان حیض سه روز است مقتضی آن است، ظاهر این حکم این است که خون واحد کمتر از سه روز نیست، و با قطع شدن (دیگر) واحد نیست، همچنین وحدت با اتصال عرفی مساوی است.

۶- و اما ان المدار على الاستمرار العرفی - الذي يتحقق مع الانقطاع اليسير أيضا - دون الدقی، فلأن ذلك مقتضى حمل الألفاظ على مفاهيمها العرفية.

و اما اینکه معیار استمرار عرفی است - که با انقطاع کم نیز محقق می شود - نه با دقت عقلی، چون آن مقتضای حمل الفاظ بر مفاهیم عرفی شان است.

Sco1→9:18

### دلیل بعد از بلوغ و قبل از یائسگی بودن حیض

شرط حیض بودن خون این است که بعد از بلوغ و قبل از یائسگی باشد . نسبت به بعد از بلوغ بودن، می توان به صحیحه<sup>۱</sup> عبد الرحمن بن حجاج از امام صادق(ع) استدلال کرد.

امام(ع) در این روایت می فرمایند یکی از گروه‌هایی که عده ندارد، دختری است که حیض نشده و امثال او هم حیض نمی شوند. امام(ع) در پاسخ به سوال راوی که گفت: کی این اتفاق می افتد؟ فرمود: تا زمانی که به نه سالگی نرسیده است. بنابراین دختری که به نه سالگی یعنی بلوغ نرسیده است جزء کسانی است که خون حیض نمی بیند.

نسبت به قبل از یائسگی بودن حیض، روایات<sup>۲</sup> متعددی وجود دارند که در آنها آمده است: زمان ناامیدی زن از دیدن خون حیض پنجاه سالگی است. بنابراین بعد از یائسگی یعنی همان پنجاه سالگی زن حیض نمی بیند.

### ادله صحیح نبودن چهار عمل از زن حائض

چهار عمل نماز، روزه، طواف و اعتکاف از زن حائض صحیح نیست. دو دلیل برای اثبات این حکم قابل ذکر است: دلیل اول: اجماع.

۱. وسائل الشیعة الباب ۳ من أبواب العدد الحدیث ۵.

۲. وسائل الشیعة الباب ۳۱ من أبواب الحيض الحدیث ۱.

حکم عدم صحت این چهار عمل از زن حائض از واضحات فقه و مورد اجماع و تسالم همه می باشد.

## دلیل دوم: روایات.

امام باقر(ع) در روایتی<sup>۱</sup> از زراره به صراحت می فرماید که نماز زن حائض صحیح نمی باشد.

نسبت به روزه می توان به موثقه سماعه<sup>۲</sup> استناد کرد که در آن آمده است: زن مستحاضه در ماه رمضان روزه اش را می گیرد، مگر روزهایی که حائض می شود که باید پس از ماه مبارک رمضان قضای آنها را بجا آورد. در مورد عدم صحت طواف می توان به سخن امام صادق(ع)<sup>۳</sup> استناد کرد که فرمود: هر چیزی باعث صحت نماز از حائض می شود، موجب صحت طواف هم می شود. پس تا زمانی که حائض از خون پاک نشده و غسل نکرده است طوافش صحیح نیست.

از جمله شرایط اعتکاف روزه گرفتن است. وقتی زن حائض روزه اش صحیح نباشد، اعتکافش نیز صحیح نمی باشد.

## تطبیق

۷- و اما اعتبار کونه بعد البلوغ، فلصحیحة عبد الرحمن بن الحجاج : «سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول : ثلاث يتزوجن علی کل حال... إلی ان قال: و التي لم تحض و مثلها لا تحيض.

و اما اعتبار بعد از بلوغ بودن حیض، پس به دلیل صحیحه عبدالرحمن بن حجاج است (که در آن آمده است): «از امام صادق(ع) شنیدم که می فرماید: سه گروه اند که در هر حال ازدواج می کنند (یعنی نیازی به عدّه نگه داشتن ندارند)... تا اینکه فرمود: و (یکی از آن سه گروه) زنی است که حیض نشده و مثل او حائض نمی شود. قلت: و متی یکون ذلک؟ قال: ما لم تبلغ تسع سنین...».

گفتم: و چه وقت زنی حائض نمی شود؟ فرمود: تا زمانی که به نه سالگی نرسیده است...».

و اما اعتبار کونه قبل الیأس، فلعدّة روایات بلسان: «حدّ الثی یثست من المحیض خمسون سنة».

و اما اعتبار قبل از یائسگی بودن حیض، پس به دلیل چندین روایت است به این لسان: «حدّ زنی که از دیدن حیض ناامید است (یعنی یائسه شدن) پنجاه سال است».

۸- و اما عدم صحّة اربعة منها ، فمن الواضحات للتسالم علیه. و تدلّ علی ذلک صحیحة زرارة عن أبی جعفر علیه السلام: «إذا كانت المرأة طامثا فلا تحلّ لها الصلاة...».

و اما عدم صحت چهار عمل (نماز، روزه، طواف، اعتکاف) از حائض، پس به دلیل اجماع بر آن از واضحات است. و صحیحه زراره از امام باقر(ع) «زمانی که زن حائض باشد نماز برای او جایز نیست...» بر آن دلالت می کند.

۱. وسائل الشیعة الباب ۳۹ من أبواب الحیض الحدیث ۱.

۲. وسائل الشیعة الباب ۳۱ من أبواب الحیض الحدیث ۳.

۳. وسائل الشیعة الباب ۱ من أبواب الاستحاضة الحدیث ۸.

فی صیایغة العبارة-موضع الشاهد- تأمل، و لکنه غیر مهم.

و موثقة سماعة: «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن المستحاضة قال: تصوم شهر رمضان إنَّ الأيام التي كانت تحيض فيها ثم تقضيها بعد»

و موثقه سماعة: «از امام صادق (ع) در مورد زن مستحاضه پرسیدم (که) فرمود: ماه رمضان را روزه می گیرد مگر روزهایی که در آنها حائض بوده سپس آن روزه‌ها را بعد (از ماه رمضان) قضا می کند.

و موثقة عبد الرحمن بن أبي عبد الله: «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن المستحاضة أ يطؤها زوجها و هل تطوف بالبيت؟

و موثقه عبدالرحمن بن ابی عبدالله: «از امام صادق (ع) در مورد زن مستحاضه پرسیدم که آیا همسرش می تواند با او همبستر شود و آیا می تواند به دور خانه خدا طواف کند؟

قال: تقعد قرأها الذي كانت تحيض فيه... الى ان قال: و كل شيء استحلّت به الصلاة فليأتها زوجها و لتطف بالبيت»

فرمود: در آن ایامی که حائض می شود باید بنشیند (یعنی نباید آن کارها را انجام دهد)... تا اینکه فرمود: و هر چیزی که نماز با آن (بر حائض) حلال شود، (پاک شدن از حیض) پس همسرش (بعد از آن) می تواند با او نزدیکی کند و می تواند به دور خانه خدا طواف کند»

فانها ظاهرة في انه متى ما حلّت لها الصلاة جاز لزوجها إتيانها و طوافها بالبيت.

پس همانا موثقه عبدالرحمن ظهور دارد در اینکه هر وقت نماز برای حائض حلال شد، نزدیکی با او برای شوهرش و طواف او به دور خانه خدا جایز است.

و اما الاعتكاف، فيكفي لاثبات عدم صحته، اشتراطه بالصوم.

و اما اعتكاف، پس برای اثبات عدم صحت آن، مشروط بودنش به روزه کافی است.

SC02→18:12

### دلیل اعتبار انقطاع خون و غسل برای صحت اعمال چهارگانه

زمانی حائض می تواند چهار عمل نماز، روزه، طواف و اعتکاف را انجام دهد که علاوه بر قطع شدن خون، غسل نیز کرده باشد. لذا با انقطاع خون و غسل است که حائض می تواند آن عبادت‌ها را انجام دهد.

دلیل لزوم انقطاع این است که تا قبل از قطع شدن خون عنوان حائض بر زن صدق می کند و با وجود چنین عنوانی عبادت از صحیح نیست.

زن حائض، قبل از غسل کردن محدث است در نتیجه آن اع مالی که صحتشان منوط به طهارت می باشد از او صحیح نیست.

### دلیل وجوب قضای روزه و عدم وجوب قضای نماز

این مسأله از مسأله‌ات فقه است که زن حائض پس از ایام حیض لازم نیست نماز فوت شده‌اش را قضا نماید اما روزه‌های قضا شده‌اش را باید پس از ماه مبارک رمضان قضا کند.

دلیل این حکم تصریح روایاتی چون صحیحۀ زراره<sup>۱</sup> است که امام باقر (ع) بر اساس آن فرمود: واجب نیست نمازش را قضا کند، اما باید روزه‌های ماه مبارک رمضان را قضا کند.

### دلیل حرمت محرّمات جنب بر حائض

گفتیم مس کتابت قرآن، خواندن آیه‌های سجده‌دار، توقف در مسجد و گذاشتن چیزی در مسجد بر جنب حرام است. این چهار عمل بر حائض نیز حرام است. دلیل اشتراک حائض و جنب در محرّمات دو دسته روایتند:

**دسته اول:** محرّمات چهارگانه بر اساس روایات بر جنب ثابت شدند. در عمده آن روایات در کنار جنب عن وان حائض نیز حضور دارد، از این رو محرّمات را برای هر دو اثبات می‌کنند. از این دسته روایات می‌توان به صحیحۀ زراره<sup>۲</sup> از امام باقر(ع) اشاره کرد.

**دسته دوم:** روایاتی که محرّمات را برای عنوان مُحدّث<sup>۳</sup> اثبات می‌کند و حدث میان جنب و حائض مشترک است مانند موثقه ابی بصیر<sup>۴</sup> که از امام صادق(ع) در مورد کسی می‌پرسد که قرآن خوانده در حالی که وضو نداشته است.

### تطبيق

۹- و اما اعتبار الانتطاع و الاغتسال، فلأنها قبل الانتطاع حائض و قبل الاغتسال محدثة فلا تصح تلک منها لاشتراطها بالطهارة.

و اما اعتبار قطع شدن خون و غسل کردن (برای صحت عبادات چهارگانه)، پس به دلیل این است که زن قبل از قطع شدن خون حائض است و قبل از غسل کردن مُحدّث است پس آن چهار عمل به دلیل مشروط بودنشان به طهارت از او صحیح نمیباشند.

۱۰- و اما قضاءها الصوم دون الصلاة، فمن الامور المسلمة. و تقتضيه صحیحة زرارة: «سألت أبا جعفر عليه السلام عن قضاء الحائض الصلاة ثم تقضى الصيام، قال: ليس عليها ان تقضى الصلاة و عليها ان تقضى صوم شهر رمضان» و غيرها.

۱. وسائل الشيعة الباب ۴۱ من أبواب الحيض الحديث ۲.

۲. صحیحۀ زرارة عن أبي جعفر عليه السلام: «... الحائض و الجنب هل يقرآن من القرآن شيئاً؟ قال: نعم ما شاء إنا السجدة...» وسائل الشيعة الباب ۱۹ من أبواب الجنابة الحديث ۴.

۳. حدث حالتی است در مقابل حالت طهارت و زمانی رخ می‌دهد که یکی از نواقض طهارت مثل جنابت یا خواب رخ دهد. به شخصی که دارای چنین حالتی است مُحدّث گویند.

۴. موثقة أبي بصير: «سألت أبا عبد الله عليه السلام عنّ قرأ في المصحف و هو على غير وضوء؟ قال: لا بأس و لا يمسنّ الكتاب» وسائل الشيعة الباب

۱۲ من أبواب الوضوء الحديث ۱.



و اما (وجوب) قضای روزه به خلاف نماز توسط حائض، پس از امور مسلم می باشد. و اقتضای این حکم را دارد صحیحه زراره (که در آن آمده است): «از امام باقر(ع) در مورد زن حائض که نمازش را قضا می کند سپس روزه اش را قضا می کند پرسیدم، فرمود: بر او واجب نیست نمازش را قضا کند و بر او واجب است روزه ماه رمضان را قضا کند» و غیر صحیحه زراره.

۱۱- و اما انه یحرم علیها ما یحرم علی الجنب ، فلان معظم الروایات الواردة فی بیان محرّمات الجنابة ذکر عنوان الحائض أيضا أو ذکرها بما انها أحكام لمطلق المحدث كحرمة المسّ.

و اما اینکه محرماتی که بر جنب حرام است بر حائض نیز حرام است، پس به دلیل این است که عمده روایات وارد شده در بیان محرّمات جنابت، عنوان حائض را نیز ذکر کرده است یا اینکه ذکر کرده اند آن محرّمات را به عنوان اینکه آنها احکام مطلق محدث هستند مانند حرمت مس قرآن (و حائض هم محدث است).

## چکیده

۱. همان‌گونه که در تعریف حیض از قید غالب استفاده کردیم، صفات خون حیض نیز باید به غالبی بودن مقید شوند. زیرا در برخی موارد با آنکه صفات ذکر شده در خون وجود ندارد، اما حکم خون حیض بر آن جاری می‌شود.

۲. کمترین زمان خون حیض سه روز است. این عبارت ظهور در وحدت خون دارد و این وحدت، زمانی حاصل می‌شود که خون با استمرار و بدون قطع شدن خارج شود. پس وحدت با استمرار عرفی همراه است.

۳. معیار استمرار در اینجا عرفی است نه دقت عقلی؛ لذا اگر خون برای دقایقی قطع شود و دوباره جریان یابد، استمرار از بین نمی‌رود؛ زیرا الفاظ در هنگام استفاده، بر معانی عرفی خود حمل می‌شوند.

۴. به دلیل روایات، شرط حیض بودن خون، این است که بعد از بلوغ و قبل از یائسگی باشد.

۵. دلیل عدم صحت چهار عمل نماز، روزه، طواف و اعتکاف از زن حائض اولاً اجماع و ثانیاً روایات می‌باشد.

۶. زمانی حائض می‌تواند چهار عمل نماز، روزه، طواف و اعتکاف را انجام دهد که علاوه بر قطع شدن خون، غسل نیز کرده باشد؛ زیرا تا قبل از غسل کردن محدث است؛ در نتیجه آن اعمالی که صحیشان منوط به طهارت می‌باشد از او صحیح نیست.

۷. این از مسلمات فقه است که زن حائض پس از ایام حیض لازم نیست نماز فوت شده اش را قضا نماید اما روزه‌های قضا شده‌اش را باید پس از ماه مبارک رمضان قضا کند. روایات نیز بر این حقیقت دلالت دارند.

۸. دلیل اشتراک حائض و جنب در محرمات، اولاً این است که در عمده آن روایات در کنار جنب، عنوان حائض نیز حضور دارد و ثانیاً روایاتی نیز محرمات را برای عنوان مُحدِّث اثبات می‌کند و حدث میان جنب و حائض مشترک است.